



**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت**

## زویای دیگری از حضور رهبران کمونیست در میان مردم جایگاه و اهمیت نسل جوان مصاحبه ای دیگر با مظفر محمدی



مظفر محمدی

، آزادیخواهی و رفاه طلبی و رهایی فرهنگی و اخلاقی ... میبینیم که به چیزی کمتر از آنکه در غرب میگذرد قانع نیست. معیاریش برای زندگی، غرب و نسل دوران خودش در جهان است. رژیم که الگوی اسلامی و ارتجاعی را نتوانست به مردم تحمیل کند در واقع از نسل جوان در ایران شکست خورده

صفحه ۲

چشم باز میکند جمهوری اسلامی را در مقابل خود میبیند با شبکه های مساجد و مدارس مذهبی و گله های حزب الله و پاسدار و بسیجی و خواهر زینب و ... که نه تنها در کوچه های محله هایشان و در خیابانها بلکه تا کلاسهای مدارس و حتی پستوی خانه های مردم سر میکشند و کنترل میکنند و در خصوص ترین زویای زندگی و روابط انسانها و حتی لباس پوشیدنشان دخالت میکنند. این پدیده در زمانی اتفاق میافتد که وسایل ارتباط جمعی و آگاهی بشر از نحوه زندگی همدیگر و از پیشرفتهای

ایسکرا: در باره جوانی از اتفاق بزرگی که حضور شما و همراهاتان در سندنج به همراه داشت، به مناسبتهای مختلف و از جمله در مصاحبه با ایسکرا صحبت شده است. میخواهیم قدری بیشتر بر تحولاتی که در بافت جمعیت کردستان به تبع از تحولات جهان و نیز جامعه ایران ایجاد شده است، تمرکز بیشتری داشته باشیم. در یک نگاه عمومی این پدیده را چگونه می بینید؟

**مظفر محمدی:** ترکیب ۶۵ درصدی جمعیت جوان پدیده نوری در تاریخ ایران و به تبع آن در کردستان است. این جمعیت عظیم وقتی

## جبهه کردستانی، در میان تحریفات و توهمات

فشرده سخنرانی در یک سمینار پالتاک - بخش دوم

میگویند، "نیاز سیاسی و اجتماعی" جامعه کردستان است. میگویند، در خدمت "دمکراتیزه کردن جامعه ایران؟! و چسپاندن مدنیت" در کردستان و ایجاد "پلورالیسم و تنوع سیاسی" است و البته یادشان میبرد قبل از به عاریت گرفتن این چند اتیکت، با هدف آذین بندی و ایده آلیزه کردن یک طرح شناخته شده ارتجاعی، دم خروشان پیداست و خود دلایل زمینی طرح را چنین گفته اند:

برای "جلوگیری از تشنج نظامی در بین احزاب"، ایجاد نهاد مشترک برای مذاکره با جمهوری اسلامی، "برای متحد کردن صفوف جنبش کرد و ایجاد صدای مشترک نزد دولتها و نهادهای بین المللی".

صفحه ۵



رحمان حسین زاده

## محتوای واقعی جبهه کردستانی چیست؟

پیشنهاددهندگان اخیر طرح "جبهه کردستانی" برای به فروش رساندن کالای کم وزن خود مشتی تحریفات و توهمات را حول این پروژه سرهمبندی کرده و تبلیغ میکنند.

## زیر سایه یک توهم پوچ

در باره دیدار وزرای خارجه انگلیس و آلمان و فرانسه با "دولت" جمهوری اسلامی

## ایرج فرزاد

طبق دعوت "دولت" جمهوری اسلامی روز ۲۱ اکتبر وزرای خارجه انگلیس، آلمان و فرانسه به ایران دعوت شدند. طبق نتایج این دیدار که رسانه های جهان آنرا مهم تعریف کردند، جمهوری اسلامی موافقت کرده است ضمن آمادگی برای امضای پروتکل الحاقی آژانس بین المللی انرژی اتمی، فعالیتهای غنی سازی اورانیوم را طبق موازین این آژانس متوقف کند. در عین حال طبق بیانیه مشترک وزرای خارجه سه کشور مذکور، جمهوری اسلامی حق دارد استفاده "صلح آمیز" از

صفحه ۲

حسین مرادیگی  
**ورود ارتش ترکیه به عراق، چه کسی مسئول عواقب آنست؟**  
صفحه ۳

## این رژیم باید برود!

سلیمان قاسمیانی  
صفحه ۶

سازمان زحمتکشان و پیام به کنگره فوق العاده اکثریت ایرج فرزاد  
صفحه ۶

## رادیو انترناسیونال

۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز  
۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران  
به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com  
Tel: 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0046 8 659 0755  
رادیو انترناسیونال روی اینترنت  
www.radio-international.org

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر  
تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر  
بوقت تهران  
در شبکه تلویزیونی کانال یک  
تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:  
www.wpiran.org/TV

## «...یک توهم پوچ»

انرژی اتمی را طبق موازین عدم گسترش سلاح هسته‌ای (NPT) داشته باشد. بعلاوه اعلام شده است که سه کشور فرانسه و آلمان و انگلیس برای برقراری امنیت در خاورمیانه و عاری کردن این منطقه از سلاح کشتار جمعی با جمهوری اسلامی همکاری کنند!!

۱- به نظر میرسد قدمی دیگر در راستای رام سازی جمهوری اسلامی برداشته شده باشد. اما این هنوز بسیاری سوالات را بدون پاسخ گذاشته است. جمهوری اسلامی یکی از طرفهای مهم و تعیین کننده در بی ثباتی خاورمیانه و عامل مهمی در حل نشدن و نگاه داشتن و تشدید و وخامت بحران مساله فلسطین است. یک طرف اساسی در تامین تدارکاتی، مالی پرسنلی و سیاسی جریان تروریسم اسلامی است. در این مورد یعنی عاری کردن خاورمیانه از این سلاح کشتار جمعی، یعنی اسلام سیاسی و جنبشهای چنایت‌کارانه اسلامی، وزرای خارجه کلمه ای نگفته اند. به نظر میرسد با امید به کشیدن دندان اتمی رژیم اسلامی، اروپای واحد گارد خود را در برابر حرکتها و مانورهای اسلام سیاسی که راس و قطب هدایت کننده آن در جمهوری لانه کرده است، باز گذاشته است.

۲- این بیانیه سه وزیر خارجه با "دولت" جمهوری اسلامی امضا شده است، همه میدانند و همین سه وزیر "سیاستمدار" نیز میدانند که روزنامه های آنها، مشاورین سیاسی دولتهای متبوع آنها و مراکز سیاست گزاریهای غرب آگاهند که در ایران "دولت" ی فرمال در کناردها مرکز اصلی تر تصمیمگیری از قبیل شورای نگهبان، بیت "رهبر"، سپاه پاسداران، مجمع تشخیص مصلحت و شخص همه کاره "نظام"، جناب آیت الله رفسنجانی و دهها خرده دولت و مرکز تصمیم گیری از قبیل ستادهای اتمه نماز جمعه و میلشایها با نفوذ در ارگانهای نظامی و امنیتی مثل انصار حزب الله و ... وجود دارند که بطور واقعی سیاست های حاکم بر جامعه ایران را تعیین و اجرا میکنند. سه وزیر خارجه محترم اگر آگاهانه از پرونده نسل کشیهای رژیم اسلامی خود را به بی خبری دیپلماتیک میزنند، لااقل از ژورنالیستها و "تاراضیان" طرفدار دولت فخریه ایران "اسلامی" و وضعیت زندانیان خودی که آگاهند.

بایگانی پرونده های قطور جنایات رژیم اسلامی ظرف ۲۵ سال و چشم فروستن به فریاد رسای یک جامعه ۷۰ میلیونی که شب و روز اعتراض میکند، برای غرق نشدن در فلاکت و گرسنگی تحصن و راهپیمائی و تظاهرات میکند و در اعتراض به خفقان اسلامی بر گوشه و زوایای جامعه، به پدیده کودک خیابانی، دختران فراری و فروردین کل جامعه در تباهی و سیاهی مقاومت میکند و تصمیم به بزیر کشیدن بانی و عامل آن یعنی کل رژیم اسلامی گرفته است، خود آمادگی برای گرفتن سهم در این پرونده بزرگ جنایت علیه بشریت است. امضای "دولت" سید خاتمی پای هر بیانیه رسمی و غیر رسمی، هیچگونه تضمینی به وزرای ظاهرا دنیا دیده و کارگشته دولتهای اروپا نمیدهد. بدون تمرکز کردن بر کانونهای اصلی تصمیم گیری در جمهوری اسلامی و بدون یک مبارزه جدی برای قطع کردن دست این مراکز قدرت اسلام سیاسی بحث از امید به دست کشیدن جمهوری اسلامی از تهدیدات سلاح کشتار جمعی، فقط یک تلاش برای آشتی و سازش با اسلام سیاسی ترجمه میشود.

۳- کشمکش اصلی بین دولت بوش و رژیم اسلامی است و تهدید به دخالت نظامی از جانب حکومت آمریکا رسماً پس گرفته نشده است. تجربه عراق باید نشان داده باشد که حتی تعهد به پذیرش نتایج تحقیقات "بازرسان سازمان ملل"، راست بورژوازی آمریکا را از تعقیب سیاست "نظم نوین" باز نمیدارد. همچنانکه حتی پس از سقوط رژیم صدام بازرسان اعزامی دولت خود بوش دلتلی بر وجود سلاحهای کشتار جمعی نیافتند و این علیرغم عدم مشروعیت حمله نظامی به عراق در محافل حاکمه آمریکا، مشکلی برای دفاع بوش ایجاد نکرد.

خاصیت اساسی بیانیه سه وزیر خارجه مذکور قابل هضم نشان دادن رژیم اسلامی و معرفی این رژیم جنایتکار و ضد انسانی بعنوان رژیم قابل اصلاح و طرف دیالوگ است. این اقدامی دیگر در راستای سازش دولتهای اروپای واحد با اسلام سیاسی و تلاشی در تقابل با مردم ایران برای خلاصی از رژیم اسلامی است.

میخواهند اعلام کنند که رژیم اسلامی را میتوان حقوق بشری کرد، میخواهند مردم ایران را به تمکین با رژیم اسلامی، بعنوان

## «مصاحبه با مظفر محمدی»

است. این رژیم مبیایست یا الگوی طالبان را که اسلامی تر و افراطی تر است به جوانان نشان داده و قانعشان کند یا به ناچار باید در مقابل الگوی غرب که جوانان آن را میخوانند تسلیم شود. تمام تحولات ۱۰ سال اخیر، عقب نشینی گام به گام رژیم از الگوی اسلامی خود و نوع طالبانها و تمکین به الگوی غربی که جوانان انتخابش کرده اند بوده است.

**ایسکرا:** وقتی از نسل جوان و بالا بودن وزن آن در حیات سیاسی جامعه بحث میشود، منظور کدام توقعهاست؟ مثلاً در باره مناسبات بین آنها، علاقت هنری و عاطفی آنها و اینکه این تعلقات چرا ریشه در جوامع پیشرفته غربی دارند، میتوان حکم داد که بین نسل جوان جامعه ایران با نسلهای پیشین خود یک برش تاریخی ایجاد شده است؟

**مظفر محمدی:** قطعاً اینطور است. من اخیراً کنسرت یک گروه خواننده پسر و دختر را از سی دی نگاه میکردم، تنها چیزی که این گروه را از گروههای موزیک پاپ غربی متمایز میکرد نوع لباسشان بود که به آنها تحمیل شده است. آلات موسیقی پیشرفته، فرم کار و خواندن دستجمعی و ... همه مدل پیشرفته غرب است و با فرهنگ و هنر ماقبل خود هیچ سنخیتی ندارد. استقبال جوانان از این گروه هم استقبال از نوع دیگر هنر و موسیقی است. این آن فاصله ایست که نسل جوان در این زمینه با نوحه خوانی شجریان و افتخاری و مدل عقبنامه تر کردی آن از قبیل حسن زیرک و رزازی گرفته است.

جوان امروز به شدت معتقد به روابط آزاد است. معتقد به انتخاب آزاد دوست پسر و دختر و یا همسر بدون دخالت جامعه و خانواده و مسجد و آخوند است. مدرنیسم و زیاده خواهی جوانان را میشود در همه عرصهها مشاهده کرد، برای مثال در لباس پوشیدن مدل غربی در علاقه و توجه به موزیک خارجی و شاد و رقص و دانس و در روی آوری به کلاسهای موسیقی و ورزش و بدنسازی و استفاده از اینترنت و ستالیت. و بالاخره در تلاش برای رفتن به دانشگاه و دسترسی به محیطهای بازتر و استقلال و آزادی بیشتر و ... نفس بازتر و آزادتر بودن محیطهای

آموزشی از قبیل دانشگاهها و کارهای هنری و ورزشی و ... از دلایل گرایش جوانان به این محلها و این نوع کار و مشغله ها است.

این عکس العمل نسلی است که رژیم سیاسی حاکم بر آن، یک آپارتاید جنسی تمام عیار را به اجرا در آورده، مدارس را دخترانه و پسرانه کرده. در اتورسها زنان از مردان جدا میشوند، و حتی در دانشگاهها غذاخوری دختران و پسران از هم جدا کرده است. فکر کنم یک جای دیگر در همین ایسکرا گفتیم که چند دهه سرکوب و تحمیل و تحقیر و تحمیل فقر به مردم نتیجه اش ابعاد وحشتناکی داشته است. فقر و بیکاری و یا ترس از بیکاری شدن کارگران شاغل، طبقه کارگر را در موقعیت دشواری قرار داده است. نسل قدیم تر و شکست خورده از انقلاب ۵۷ محافظه کار و تا حدودی هم مرعوب است. شکاف دو نسل یک مانع جدی برای مبارزه جویی نسل جوان است. فشار مضاعف جمهوری اسلامی و نسل قدیم تر در خانواده و جامعه بخشی از نسل جوان را به یاس و ناامیدی و از جمله اعتیاد و خودسوزی و خودکشی میکشاند. در مقابل این وضعیت در یک دهه اخیر با عصیان نسل جوان روبرو هستیم، نسلی که دیگر "نه" آشکار خود را به رژیم اسلامی گفته است. خودآگاهی و عشق به آزادی، نگاه به دنیا از دریچه فرهنگ و تمدن و مدرنیسم غرب، ضدیت آشکار با مذهب، بی اعتنائی به ناسیونالیسم فارس و کرد و ترک و غیره... از خصوصیات بارز این نسل است.

و این را در مناسبات جوانها، رابطه آزاد پسر و دختر، پارتی ها و گروههای هنری و ورزشی و کوهنوردی و بطور کلی تلاش همه جانبه برای رهایی فرهنگی و اخلاقی و آزاد زیستن... میتوان دید.

**ایسکرا:** اگر بخواهی مثالهای زنده ای بیاوری که نشان میدهد در سطحی اجتماعی نسل جوان مسائل و توقعات و انتظاراتی دارد که گرایش کمونیسم کارگری نایندند و فرموله کننده آنست، به کدام مولفه ها و شاخصها تاکید خواهید کرد؟

**مظفر محمدی:** ببینید علاوه بر

اینکه نفس کمونیسم و سوسیالیسم و برابری طلبی در جامعه ایران جذابیت دارد، بطور مشخص تا اینجا که به زندگی نسل جوان بر میگردد، این نسل خواستها و تمایلات و آرزوهای فوری و بی بروبرگردی دارد که در رژیم اسلامی به طرز کاملاً وحشیانه و ضد انسانی مهار و سرکوب میشود. رژیمی که ارتجاع را در تمام گوشه و زوایای جامعه و خانواده هم تقویت کرده و گسترش میدهد. در چنین شرایطی کمونیسم کارگری با صراحت اعلام کرده است که ضد مذهب و دخالت آن در زندگی مردم است، گفته است مذهب خوب و بد ندارد. دست مذهب از زندگی مردم کوتاه. زن و مرد برابرنند. کسی حق ندارد در روابط آزاد و انسانی پسر و دختر و زن و مرد و در انتخاب آزاد آنها دخالت کند. به این معنی، حفظ حرمت انسان و آزادیشان و احترام به روابطشان و به انتخابشان فارغ از هر گونه سنت و فرهنگ ارتجاعی و عقبنامه یک جنبه دیگر جذابیت کمونیسم کارگری برای جوانان است. این حتی ورای آن چیزی است که در غرب هم رواج دارد. دولتهای غربی تحت عنوان نسیت فرهنگی و احترام به فرهنگ مردم و تقسیم انسان به جوامع اسلامی و غیراسلامی و غیره دخالت مذهب و سنتهای ارتجاعی را در زندگی مردم و در روابط آزادانه زن و مرد و پسر و دختر توجیه میکنند. چیزی که کمونیسم کارگری آن را تقبیح کرده و مردود میداند و جوان ایرانی را همانقدر شایسته آزادی و حرمت انسانی و پیشرفت و تمدن میداند که جوان غربی، و این تقسیم بندی را ضد انسانی و مردود میشمارد...

اجازه بدهید از جنبه دیگر هم مظلومیت کمونیسم کارگری را برای نسل جوان توضیح دهم. یک تفاوت نسل جوان امروز با نسل پیشین و جوان دوره ما این است که این نسل و بخصوص پیشروانش با آزادی و برابری، با آزادی روابط جنسی، با نفی مذهب، با نفی ناسیونالیسم و کردابه تی و از این قبیل مشکل چندان ندارد. چه ترین نسل ما در دوره جوانی با همه این مسایل مشکل داشتیم و اساساً ملقماطی بودیم از پوپولیسم و احترام به مذهب تحت عنوان مقدسات تودهها و ناسیونالیسم و بیگانه با فرهنگ غرب و حتی بخشی از این چپ ضد فرهنگ غرب و

## ورود ارتش ترکیه به عراق، چه کسی مسئول عواقب آنست؟



حسین مرادیگی

شهرهای مرکزی و جنوب عراق انفجارهای متعددی صورت میگیرد و کشتار هر روزه انسان دارد بصورت امر عادی ای در میآید. به مشکل عدم امنیت، بیکاری، فقر و فلاکت و عدم تامین معیشت و کمبود آب و برق مردم عراق، باید مشکل دسترسی به امکانات بهداشتی، کمبود دکتر و مخصوصا دوا و درمان و در نتیجه بروز انواع و اقسام بیماریهای مختلف از جمله بیماریهای ناشی از کاربرد سلاحهای تخریبی گوناگون بویژه در میان کودکان را که بشدت شیوع پیدا کرده است، افزود. در

اوضاع عراق هر روز دارد از روز قبل وخیم تر میشود، هر روز در گوشه و کنار بغداد و دیگر

عرصه سیاسی و اجتماعی نیز اسلام سیاسی تقویت شده است و با ادامه حضور نیروهای دولت آمریکا هر روز امکان بیشتری برای گسترش نفوذ خود پیدا میکند. گروههای تروریستی اسلامی، گروههای قومی و شیوخ مرتجع عرب با حمایت و دخالت جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه سر بر آورده اند و از هر فرصتی برای ابراز قدرت خود و تحمیل سناریوی سیاهی که جنگ عراق و حضور سربازان دولت آمریکا در عراق امکان آن را به مردم عراق فراهم کرده است، استفاده میکنند. در مجموع افق استقرار نظم و بازگشت شرایط زندگی مردم حتی به دوره قبل از جنگ با گذشت زمان همچنان تاریک تر و تاریک تر میشود،

با ورد ارتش ترکیه به عراق که دولت و پارلمان ترکیه با آن موافقت کرده اند، اوضاع پیچیده تر و در نتیجه حتی غیر قابل پیش بینی تر میشود. اکنون نه تنها افکار عمومی جهان، که هم پیمانان دولت آمریکا و سران دولت آمریکا نیز دریافته اند که بکمک ارتش ۱۳۰ هزار نفری دولت آمریکا و ۱۱ هزار نفر نیروی دولت بریتانیا، حتی کنترل حداقل اوضاع هم ممکن نیست. دولت آمریکا بعد از گذشت شش ماه از تصرف نظامی عراق از خواب و خیال سفره ای که برای تحمیل ابر قدرتی نظامی خود به جهان پهن کرده بود دارد بیرون میآید و فشار موج برگشت سیاسی و حتی نظامی این پیروزی را بر کرده خود بیش از پیش



آنچه که جوانان در تملن و مدرنیسم و پیشرفت غرب جستجو میکنند بیگانه و در تعارض اند. این باور و این مرزبندی، نسل جوان و جنبش آزادیخواهیشان را در مقابل حملات ارتجاع و ناسیونالیسم در هر لباسی و در مقابل اصلاح طلبی و هر گونه سازش با اسلام مصون میکند و پیروزی را تضمین میکند. توصیه من به جوانان این است که هر چه بیشتر زیاده خواه باشند ماکزیمال را بخواهند. در میان دو صف راست و چپ در ایران و ناسیونالیسم و کمونیسم کارگری در کردستان، چپ و کمونیسم کارگری را انتخاب کنند و دنیای بهتر را الگوی مبارزه و زندگیشان قرار دهند. ما یک جنبش چپ و رادیکال میخواهیم که کارگران و جوانان و زنان نیرو و پای اصلی آندند. جنبشی که به چیزی کمتر از رهایی از هرگونه ارتجاع، از هرگونه قید و شرط در مناسبات بین انسانها، رهایی از خرافه مذهب، از خرافه ملت گرایی و قومپرستی، راضی نیست. تقسیم جامعه به اقلیتی دارا و مفتخور و اکثریت کارگر و زحمتکش و ندار را جنایت علیه انسان و مردود میداند. همه جوانان را به این جنبش که جنبش کمونیسم کارگری است و به پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکنم. آزادی واقعی و برابری و رهایی و خوشبختی انسان بدون کسب قدرت از جانب حزب و جنبش ما بدست نمیآید.

\*\*\*

و انسانی و نیازها و آرزوهایشان تبعیت میکنند و این مختص جوان ایرانی نیست بلکه پدیده ای اجتماعی به وسعت جامعه بشری است. این غرایز و آرزوها را میشود برای مدتی سرکوب کرد و یا با شلاق و شکنجه و تهدید جواب داد اما غیر قابل کنترل و مهار است. اسلام و شریعت و ارتجاع صدها سال است که با آزادی و روابط آزاد و علائق آزاد جنسی و زندگی شاد و مدرن و مرفه انسان در تناقض است و با آن سر جنگ دارد. جنگ امروز نسل جوان ایران با اسلام و ارتجاع و فرهنگ عقبمانده جزئی از تلاش بشر برای رهایی فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی است. این تلاش بطور قطع به سرنگونی رژیم اسلامی میانجامد. این روندی است که شروع شده و قابل برگشت و حتی سرکوب نیست.

**ایسکرا:** توصیه خودت به جوانان کدام محورها را دارند؟ چکارها را باید بکنند و در برابر کدام تهدیدات و یا ویروسهای متعلق به گرایشات ارتجاعی و ناسیونالیستی خود را واکنشیند؟ به جوانان کردستان در رابطه با کمونیسم کارگری چه رهنمودها و باید ها و نبایدها را داری؟

**مظفر محمدی:** قبل از هر چیز باید به این باور قطعی رسید که پاسخ آزادیخواهی نسل جوان، اصلاح رژیم اسلامی نیست، بندوبستهای ناسیونالیسم کرد نیست، حفظ سنت و فرهنگ قومی و بومی ارتجاعی نیست. ناسیونالیسم کرد و یا ایرانی با

فراخوان جواب دادند چرا که نفس شلوار کردی در آن زمان ضدیت با رژیم قلمداد میشد، اما دیگر آن دوره گذشته است. جالب است که جریان قوم پرست سازمان زحمتکشان هم سال گذشته به دانش آموزان گفته بود که اول مهر در مدارس همه به زبان کردی حرف بزنند! صرفنظر از اینکه این فراخوان چقدر ارتجاعی و تفرقه افکنانه است نشان میدهد که قومپرستی چقدر با تحولات اجتماعی و جایگاه و تمایلات و خواستههای نسل جوان بیگانه است. بطور واقعی تلاش برای تزریق هویت کردی، توجه به ادبیات و هنر کردی، لباس کردی و ... در میان نسل جوان یک گرایش بسیار کم اهمیت است. در مقابل شاخصهائی که جوانان کردستان را در کنار جوان تهرانی، پارسی، لندنی و نیویورکی و ... قرار میدهد را میتوان در مناسبات روزمره و در روابط جوانان در کردستان دست نشان کرد.

**ایسکرا:** تا چه اندازه نسل جوان نسبت به هشدارهای حکام اسلامی، نگرش فرهنگ عقب مانده و سنن ناسیونالیسم کرد و گرایشات نسلهای قدیمی تر در مورد "لاابالی گری و بی بندوباری" که پوششی برای یورش به مناسبات مدرن دنیای کنونی است، روشن اند و پاسخ دارند؟ توضیح خود شما چیست؟

**مظفر محمدی:** جوانان قبل از اینکه به دنبال جواب نظری برای ارتجاع اسلامی و سنتهای عقبمانده اجتماعی بگردند از غرایز طبیعی

شهر سنج را میتوان با تهران و هر شهر اروپایی دیگر مقایسه کرد. مدرنیسم و آزادیخواهی جوانان پردهای زشت حجاب و اسلام و ناسیونالیسم و ارتجاع را پاره کرده است.

**ایسکرا:** به نظرت چرا نسل جوان و کل مسائل برخاسته از وجود اجتماعی آنها و انتظارات شان نمیتواند با دیگر گرایشات جامعه و مهمترین آنها ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد خود را همساز بداند؟

**مظفر محمدی:** اگر بپذیریم که نسل جوان ایران صرفنظر از اینکه در تهران زندگی میکند و یا در سنج و تبریز و رضاییه، دنیا را از دریچه فرهنگ غرب نگاه میکند، میبیند که سنت و فرهنگ و زندگی و تمدن غرب با آنچه که ناسیونالیسم کرد نمایندگی میکند سنخیتی ندارد و دو دنیای کاملاً مجزا و متفاوتند. جوانان در کردستان حتی دیگر عنصر میلیتاریسمی را در سنت و فرهنگ و سیاست ناسیونالیسم کرد جستجو نمیکند. یک وقتی نفس کردی حرف زدن و یا لباس کردی پوشیدن و یا آواز شاد و رقص کردی و از این قبیل، خود نوعی ضد رژیم تلقی میشد و سمپاتی بوجود میآورد. برای مثال پاییز سال ۱۳۵۷ بود که از طرف کانون معلمان قرار شد اعتراضی در مدارس شروع شود، یادام است که آن روز را ناسیونالیستها تبلیغ میکردند که دانش آموزان همه با شلوار کردی به مدرسه بیایند. تعدادی به این

**مصاحبه با مظفر محمدی**

مخالف آن تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم و غریزدگی بود. نسل جوان پیشین با برابری تمام و کمال زن و مرد مشکل داشت. کسانی که به هر دلیل این تفاوتها را برسمیت نمیشناسند، نمیتوانند بفهمند که چرا ما میکویم کمونیسم و برابری طلبی جذابیت دارد، چرا کمونیسم کارگری و منصور حکمت و دنیای بهتر و رهبری و کادریهای سرشناس این حزب به عنوان دوستان بی اما و اگر مردم محبوبیت دارند. در یک مشاهده ساده در همین سفر کوتاه من و دوستانم، دیدیم که میزان آمادگی جوانها، کارگران، زنان و محافل آگاه میان مردم برای همکاری با حزب و پیوستن به حزب و قبول رهبری و اتوریته حزب چقدر بالا است. کافی است تنه شان به تنه حزب بخورد، کافی است حزب در دستشان قرار بگیرد، تشنه دیدار ما و حرفهای ما هستند... استقبال از آزادی و برابری و رهایی فرهنگی بی نظیر است. این نسل در کردستان در سنت پیشمرگایستی و در انتظار آنطرف مرزها و اردوگاهها نیست. نسل جوان تشنه سنت ما که ریشه در تمدن و مدرنیسم غرب دارد است. هزاران نفر در پارک شهر سنج و مسیر آمد و رفت ما با لباس ما که لباس سنتی پیشمرگایستی نبود مشکل نداشتند و حتی سوال نکردند. مردم حاضر در پارک

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## « ورود ارتش ترکیه به عراق »

چنین اوضاع و احوالی پیشنهاد و موافقت اعزام نیروی ۱۰ هزار نفره سربازان دولت ترکیه به عراق، چیزی حدود کل نیروهای دولت بریتانیا، در مقابل پیشنهاد اعزام ۱۰۰۰ نفر از نیروی نظامی دولت هندوستان و یا پاکستان و بنگلادش برای دولت آمریکا غیر قابل صرفنظر کردن به نظر میرسد، بویژه نیروی نظامی دولت ترکیه که چند دهه است متحد و هم پیمان دولت آمریکا در منطقه است. اما در عین حال این مساله هم برای دولت آمریکا و هم برای دولت ترکیه، علیرغم تمایل هر دو، خالی از اشکال نیست و با مشکلاتی روبرو شده است. این مساله هم با مخالفت هم پیمانان دولت ترکیه، احزاب ناسیونالیست کرد، پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) و اتحادیه میهنی و هم با مخالفت شورای حاکم عراق دولت برمر، روبرو شده است، تا آنجا که مسعود بارزانی تهدید کرده است در صورت ورود سربازان دولت ترکیه به عراق از سمت خود در شورای حاکم عراق، استعفا خواهد داد. خود شورای حاکم هم از این بیم دارد که دولت ترکیه در پی تامین منافع خود در عراق باشد و دوباره خیالات دوره استعماری قبل از جنگ جهانی اول را در سر بپیرواند و در فکر الحاق مجدد ایالت موصل و منطقه نفتی کرکوک به کشور ترکیه باشد و نیروهای نظامی

خود را از این مناطق خارج نکند. شورای حاکم به این هدف تصمیم گرفت که قراری را در مخالفت ورود ارتش ترکیه بگذراند که با مخالفت دولت آمریکا روبرو شد و برمر با فشار خود از صدور آن جلوگیری کرد، سپس دولت آمریکا نیز اشتیاق خود را برای اعزام چنین نیرویی از جانب دولت ترکیه علنا اعلام کرد. اما لحن چند روز اخیر سران دولت آمریکا از رامسفیلد گرفته تا کولین پاول تا سران دولت ترکیه، خبر از عقب نشینی ای در این مورد میدهد و این قبل از هر چیز به موقعیت ضعیف دولت آمریکا و مشکلات واقعی ای که این دولت با آن در عراق دست بگریبان است، مربوط است. این نشان میدهد که دولت آمریکا با وضعیت وخیمی که دارد قادر به تحمیل هر خواستی حتی به دست نشاندگان خودش هم نیست و علیرغم میل و منافع حیاتی خودش ناچار از عقب نشینی در مقابل آنان است. رامسفیلد گفته است که دولت آمریکا ممکن است از درخواست خود در مورد اعزام نیرو توسط دولت ترکیه به عراق عقب نشینی کند، گفته است که واشنگتن باید در این مورد با شورای حاکم عراق به توافق برسد. کولین پاول نیز گفته است که دولت آمریکا باید با شوری حاکم در امور عراق دخالت دولت ترکیه در امور عراق تلاش برای رام سازی این رژیم کشتار جمعی، تلاش برای پاک کردن پرونده خونین اسلام سیاسی در ایران و خاورمیانه و فلسطین، تلاش برای ابقا سلطه رژیم اسلامی بر مردم ایران، ارتجاعی و ضد مردمی است. راه خلاصی از رژیم اسلامی نه در عراقیزه کردن ایران توسط موشک باران و بمباران و زیر و رو کردن شیرازه مدنی و کپی سیاست اشغال، و نه تقلا برای افسار زدن و رام سازی و اصلاح از درون یک رژیم تماما جنایتکار و تروریست و ضد مدنیت است. در هر دو حالت عناصر سناریو سیاه و مرتجعترین و کثیفترین جریانات اسلامی و قومی و ناسیونالیسم متعصب و فاشیست میداندار خواهند بود. نمونه عراق جلو چشم ما و جهان متمدن است. اکتبر ۲۰۰۳

### ۱۰۰۰ توهم پوچ

رژیمی که مشروعیتش را از احترام به میثاقها و قرارها بین المللی میگیرد، وادارند. اگر وزرای خارجه سه کشور آلمان و فرانسه و انگلیس در دالانها و کریدورهای جهان دیپلوماسی فعلی در حال رام کردن اسلام سیاسی در ایران آنهم در مراحل پایانی حکومت اسلامی و دنبال نسخه پیچیدن برای مشروع جلوه دادن آن هستند، از طرف دیگر اما، در میدانی به وسعت جامعه ایران مردم قلب اسلام سیاسی و مراکز اصلی آنرا در ساختار قدرت سیاسی نشانه گرفته اند. این نیروی عظیم با سطح توقعات بالا را نمیتوان بعد از یک ربع قرن تجربه نسل کشی و جنایت اسلامی و کرسنگی دادن به کارگران و تحمیل فلاکت و فقر به مردم به خانه هایشان فرستاد.

کرد، پارتی و اتحادیه میهنی، و در این میان مسعود بارزانی و جلال طالبانی مسئولند و روی اعتراض مردم عراق و مردم کردستان عراق باید متوجه دولت آمریکا و بویژه رهبران پارتی و اتحادیه میهنی باشد. آنها در جنگ اول خلیج و بعد از آن سیاست خود را به سیاست و اهداف دولت آمریکا در عراق و در منطقه گره زدند، زندگی مردم و آینده سیاسی کردستان عراق را ۱۱ سال معلق نگه داشتند، بعنوان هم پیمانان دولت آمریکا در جنگ اخیر وارد جنگ شدند، و در وجود آوردن این سناریوی سیاه که در حال وقوع است چه برای مردم عراق و چه برای مردم کردستان عراق شریکند. سران این دو حزب نمیتوانند در نفع این پروژه، پروژه تحمیل ابر قدرتی دولت آمریکا از قبل فقر و فلاکت و ناامنی و بلای اسلام سیاسی به مردم عراق سهیم باشند اما در ضرر و زیان آن نه. پروژه اعزام نیروی نظامی ۱۰ هزار نفره دولت ترکیه به عراق، جزو و بخشی از این پروژه و ادامه سیاست دولت آمریکا در عراق و در منطقه است. سران این احزاب نمی توانند از زیر بار مسئولیت آن و مصائب و مشکلاتی که اکنون متوجه مردم عراق شده و در آینده نیز دامن مردم کردستان عراق را خواهد گرفت، شانه خالی کنند. رهبران این دو حزب مسئول مستقیم عواقب همه بدبختی هائی هستند که از این رهگذر نصیب مردم عراق و در آینده نصیب اینها مجری سیاست دولت آمریکا در منطقه بوده و هستند، اینها پای دولت ترکیه و جمهوری اسلامی عراق را به دخالت در زندگی و آینده سیاسی مردم کردستان عراق باز کردند و کردستان عراق را به میدان تاخت و تاز نیروهای نظامی دولت ترکیه و دستگاه اطلاعات و ترور و آدمکشی جمهوری اسلامی تبدیل کردند. جلال طالبانی در سفر اخیرش به ایران در دیدار با سران جمهوری اسلامی ضمن عرض ادب و دادن اطمینان خاطر به سران جمهوری اسلامی را در کردستان عراق حراست خواهد کرد، برای نشان دادن چاکر منشی خود گفته اند که سران مجاهدین خلق را باید محاکمه کرد. عبدالله گل در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود در کشور مالزی گفته است که در این ۱۲ سال تنها دولت ترکیه از

### کمک مالی به کمیته کردستان

- ۱ خالد علی پناه، چیمن دارابی و گلباغ سلیمی ۵۰۰ کرون
  - ۲ اسماعیل ویسی ۱۰۰ یورو
  - ۳ عمر معروفی ۵۰ یورو
  - ۴ کیومرث باغبانی ۱۰ یورو
  - ۵ رسول بناوند ۳۰۰۰ کرون
  - ۶ محمود خاطری ۲۰۰ کرون
  - ۷ رزگار رضائی ۵۰۰ کرون
  - ۸ کریم شاه محمدی ۵۰۰ کرون
- کمکهای منظم ماهانه**
- عدرا آدمی (آباجی) ۲۰۰ کرون
  - گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون
  - محمود خاطری ۱۰۰ کرون
  - جبار کردی ۱۵۰ کرون
  - پروانه احمدی ۵۰ کرون

### به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

## جبهه کردستانی

(ادامه از صفحه ۱)

و این سری دوم استدلالات با ماهیت واقعی و ارتجاعی طرح "جبهه کردستانی" همخوانی دارد، و طبعاً سری استدلالات اول به عاریت گرفته شده و نامربوط به موضوع را به کناری میزند. به این ترتیب نظریه پردازان تازه از راه رسیده و ناشی ناسیونالیسم" دستشان را رو میکنند.

### پروژه "جبهه کردستانی"

#### نیاز راست جامعه کردستان

صرفنظر از جلی نبودن طرح فعلی، آنجا هم که از قدیم ترها حزب دمکرات به عنوان حزب اصلی ناسیونالیسم در کردستان ایران، ایجاد جبهه کردستانی را مطرح کرده، این طرح ربطی به منافع مردم کردستان نداشته است. چنین طرحی نه نیاز "سیاسی و اجتماعی" جامعه بلکه مستقیماً نیاز یکی از جنبشهای جامعه کردستان، جنبش ملی و ناسیونالیستی و به این معنا نیاز راست جامعه کردستان را بیان میکند. اینکه ناسیونالیسم یکی از حربههای اینست نیاز و منافع خود را تحت عنوان "منافع ملی" و "منافع همگانی" قالب کند، چیزی از این واقعیت را تغییر نمیدهد که مدتهاست در جامعه کردستان بخش استثمارگر و استثمار شونده، بورژوازی و پرولتاریا، راست و چپ جامعه کردستان منافع متفاوت و متضاد، و خواست و مطالبات جداگانه، و با جنبش و احزاب خاص خود دنبال اهداف و تحقق خواستههای خود هستند. و تاریخ مبارزه سیاسی ۲۵ سال گذشته مهر این واقعیت را بر خود کوبیده است. "جبهه کردستانی" اگر به یک اقدام عملی هم نزدیک شود، ابزاری در دست راست و همانطور که از اسم آن پیداست، چارچوبی برای منسجم کردن ناسیونالیسم کرد در مقابل چپ و رادیکالیسم جامعه کردستان است. چپ جامعه کردستان، صف کارگر و مردم زحمتکش کردستان، صف آزادیخواهی و برابری طلبی مدتهاست حول کمونیسم و جنبش کمونیستی و کارگری خود را متحد و بیش از پیش منسجم میکند و در مقابل "جبهه کردستانی" شکل دادن به جبهه "آزادی و برابری" را سرلوحه کار خود قرار داده است. برای من قابل تصور است که در جریان مبارزه اجتماعی و واقعی، مقطعی وجود دارد که راست و چپ جامعه هم، با موضوعات و پدیدههایی روبرو شوند، که بنا به

این هم صدایی را برای کرش در بارگاه جرج بوش و آمریکا میخوانند، جنایات آمریکا در عراق که خود شاهد آنند مبنای امیدواری و همصدایی آنها برای تکرار آن در ایران و به این امید که به خدمت اهداف پنتاگون و آمریکا در آیند. همین موضوع نقطه عزیمت ارتجاعی آنها و "جبههای" که به منظور آن میخوانند سرهم بندی کنند را نشان میدهد.

### خودمختاری و فدرالیسم پلاتنوم جبههای که میخوانند بسازند

ستم ملی بر مردم کردستان و سرکوبگری و جنایات رژیم جمهوری اسلامی در این رابطه به دستمایه سیاسی احزاب ناسیونالیست کرد برای بقا و ادامه حیات سیاسی شان تحت نام کسب خودمختاری و یا فدرالیسم تبدیل شده است. در صورتیکه ما به روشنی توضیح داده ایم که چنین راه حل و سیاستهایی نه تنها راه حل مبارزه قحطبلان مردم کردستان برای رفع ستم ملی نیست، بلکه نفس این ستم و تبعیض و تقسیم بندی ملی بر اساس "ملت درجه یک و دو" را نهادینه میکند. علاوه بر آن در اوضاع سیاسی ایران طرح فدرالی نسخهای برای جنگ و کشمکش قومی و یوگوسلاویزه کردن و عراقیزه کردن جامعه ایران و راه انداختن جو بیار خون است. جبههای که حول چنین پلاتنومی شکل بگیرد، خود عنصر چنین سناریوی سیاهی خواهد بود و فرسنگها با تلاش مردم کردستان برای دستیابی به راه حل کارساز رفع ستم ملی فاصله دارد.

### جولوگری از تشنج نظامی

#### در دین احزاب

همین موضوع که سران احزاب ناسیونالیست بارها مطلوبیت ایجاد "جبهه" را با آن توضیح میدهند، در خود جواب گویایی به "نظریه پردازان سطحی و کم مایه" ناسیونالیسم است که میخوانند جبهه را با عناوین "دمکراتیزه کردن و کسب حقوق مدنی" و غیره ایده آلیزه کنند. راه اندازی جنگ و کشمکش از جانب احزاب ناسیونالیست کرد چه آنجا که رقیب هم هستند و بر سر رهبری جنبش ملی با هم دعوا دارند (نمونه جنگ اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق) و یا آنجا که این احزاب مخالفان سیاسی و بویژه جریان رادیکال و چپ را تحمل نمیکند (نمونه جنگ حزب دمکرات علیه کومله) در دو دهه قبل به اندازه کافی ماهیت ارتجاعی و زورگویانه و

ضد دمکراتیک و ضد مدنیت احزاب ناسیونالیست برای تحمیل خود بر جامعه را همانند تمامی جریانات و نیروهای بورژوازی در دنیا نشان میدهد. متوهمین ساده لوح فکر میکنند "جبهه کردستانی" میتواند کانال کنترل جنگ و زورگویی آنها باشد. اما تجارب فراوان و از جمله "جبهه شکست خورده" احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق واهی بودن این مسئله را نشان میدهد.

### ما و "جبهه کردستانی"

بنا به آنچه گفته شد، واضح است، "جبهه کردستانی" ربطی به منافع مردم کردستان ندارد و ما با آن مخالفیم. این مانور دیگری از جانب ناسیونالیسم کرد است تا به زعم خود مشروعیتی برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خویش دست و پا کند. تلاشی است تا راست جامعه در قالب آن صف پراکنده خود را منسجم کند و اساساً اقدامی است در مقابل چشم انداز تحول چپ و رادیکال جامعه و در مقابل کمونیسم. اگر چه تناقضات و محاسبات متفاوت درون جبهه ناسیونالیستی و فشار واقعیات بیرونی و جنبش قوی چپ و کمونیستی در جامعه کردستان مانع جدی سر راه شکل گیری "جبهه کردستانی" است. با اینحال جامعه را در مقابل ناسیونالیسم و شگردهای آن باید بسیار بیشتر خود آگاه کرد. به همین عنوان لازمست توده مردم نسبت به ماهیت و محتوای این پروژه آگاه شوند. تحریفات و توهنات ایجاد شده حول آن را افشا کرد و اجازه نداد بار دیگر در چشم مردم خاک پیاشد و منافعشان پایمال شود. ما به سهم خود و شفاف و روشن در این راستا میکوشیم. اگر راست جامعه کردستان در قالب "جبهه کردستانی" در فکر سروسامان دادن و متحد کردن صفوف خویش است. ما به مشابه کمونیسم کارگری پیگیرانه برای متحد کردن مردم میکوشیم. متحد و متشکل کردن مردم حول خواستههای اساسی و عاجلی که مستقیماً موجب تغییر و بهبود زندگی و آینده شان و رهایی آنها از مصائب گریبانگیرشان و خلاصی از دست جمهوری اسلامی است، نیاز سیاسی و اجتماعی واقعی امروز جامعه کردستان است. سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری میتواند محور اتحاد وسیع مردم در تحولات پیشرویی جامعه ایران و کردستان

و هر جریان و انسانی باشد که زندگی شایسته انسان امروزی را میطلبد. ما حول شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری" برای اتحاد وسیع مردم میکوشیم. قدرتمند کردن و متحد کردن جنبش چپ و آزادیخواهانه و به میدان کشیدن آن علیه جمهوری اسلامی و تغییر وضع موجود به نفع مردم سرلوحه کارماست. چنین کاری به معنای انسجام بخشیدن به چپ جامعه کردستان است. هر کس و هر جریانی که تعهدی به مردم و چپ و رادیکالیسم در جامعه دارد، لازمست چپ جامعه و این حرکت را تقویت کند. □

## سازمان زحمتکشان و...

(ادامه از صفحه ۶)

منصور حکمت، رای ممتنع داشت، برگردد و همراه با حزب دمکرات و کل طیف ناسیونالیستهای کرد، شروع آن جنگ را به کومه له و عده ای "فارس" نسبت دهد. اما مساله فقط به شیوه های مافیائی سازمان زحمتکشان برای مشروعیت دادن به سرقت نام کومه له محدود نیست. از اکثریت انتظار چندان نیست، اما چرا حزب دمکرات با هدف سرگردگی خود بر جنبش ناسیونالیسم کرد، به پرسنیهایی سیاسی پشت میکند؟ آیا حزب دمکرات نیز انتظار دارد که در هر فردائی، مثل مورد انشعاب رهبری انقلابی، معروف به "لاده ر" در نگرش رهبری حزب دمکرات، اقلیتی بدون هیچ مشروعیتی و با دور زدن کنگره ها و نشستهای قانونی این حزب، نام حزب دمکرات را سرقت کند و از جانب دیگر نیروهای سیاسی نیز پذیرفته شود و به نام حزب دمکرات پیام رد و بدل کنند و نشست و میثاق امضا کنند؟ سوال بعدی کماکان بالای سر رهبری کومه له میچرخد، بالاخره چرا نه خود شما و نه دوستان جدید شما در میان چپ سابقا سنتی و "نشست نیروهای چپ و کمونیست"، از مشروعیت شما در برابر نام ربائی و تلاشهای تکمیلی سازمان زحمتکشان اعتراضی ندارید. این بی اشتباهی و خود را به بی خبری زدن، فقط آتش باند مافیائی زحمتکشان را برای تعرض و دریدگی علیه کومه له تند و تیزتر میکند. □

## ایسکرای ویژه بزودی منتشر میشود

شماره ویژه ایسکرا به یک نوشته سیاسی و تاریخی مهمی از منصور حکمت اختصاص پیدا میکند که برای اولین بار اخیراً توسط سایت بنیاد منصور حکمت منتشر شده است. نوشته "ملاحظات بر سند جمع‌بندی از بحث ارزیابی ۵ ماهه جنگ ما و حزب دمکرات" تقدیست بر سندی از کمیته مرکزی وقت کومه‌له در تحلیل و ارزیابی ۵ ماهه جنگ حزب دمکرات و کومه‌له. این نوشته نگرش منصور حکمت را در نقد و تمایز با نگرش ناسیونالیستی در برخورد به جنگ حزب دمکرات و کومه‌له را نشان میدهد. منصور حکمت در این نوشته ضمن پافشاری بر حقانیت کومه‌له در پاسخ گویی به تعرض نظامی حزب دمکرات با درکی عمیق و مسئولانه سیاست فرعی کردن و نهایتاً پایان دادن به این جنگ را ترسیم میکند. شما را به مطالعه این سند باارزش و ضامم آن در ایسکرای ویژه که به زودی منتشر میشود جلب میکنیم.

برایشان مهم نیست که دست به سینه و در ردیفهای پائین اعضای رهبری حزب دمکرات بشینند، اهمیتی ندارد به اکثریت که مبارزات مردم کردستان را با "خرابکاریهای ضد انقلاب عوامل پالیزیان" همدیف کردند، پیام شادباش بفرستند. برای اصلی این است که هر جریانی، یا هر سابقه و پیشینه‌ای، از آنان بعنوان کومه له اسم ببرد. و این شباهت زیادی به صحنه ای از فیلم پدرخوانده پیدا کرده است. در یک صحنه این فیلم، یکی از باندهای مافیایی رو به پدر خوانده خواستی را برای انتقام از یک گروه رقیب دیگر مطرح میکنند. برای پدرخوانده مافیا مهم این بود که درخواست کننده از او بنام "پدرخوانده" نام ببرد و این را بالاخره شخص درخواست کننده قبول میکند. و پدرخوانده با این تحمیل مقام خود دستور میدهد که انتقام عملی شود. روز بعد سر اسب مورد علاقه رییس گروه رقیب را بریده و در رختخواب او میگذارند.

سازمان زحمتکشان و پیام به کنگره فوق العاده کثرت ایرج فرزاد سازمان زحمتکشان به کنگره فوق العاده اکثریت پیام شادباش و تهنیت فرستاده است و از اینکه اکثریت آنها را به کنگره خود دعوت کرده است تشکر کرده و آرزو کرده است که از کنگره اکثریت، "تلاش همه جانبه ای در راستای دمکراسی و آزادی سیاسی در ایران حاصل آید!!"

اینکه سازمانی مثل زحمتکشان چنین انتظاری را از اکثریت مطرح کند، نه عجیب است و نه غیر قابل انتظار. سازمان زحمتکشان خود مشروعیتی سیاسی ندارد تا پیامش مشروعیتی به سازمان خوش سابقه اکثریت بدهد. مساله برای سران سازمان زحمتکشان در درجه اول، نه محتوای پیام آنها و نه اشتها برای یارگیری و یافتن متحد در صفوف اپوزیسیون پرو رژیم است. مهم تیتیر پیام و امضای آخر پیام آنهاست. آنها میخواهند به هر نیرویی، امروز اکثریت و دیروز حزب دمکرات و فردا خه بات و هر جریان حاشیه ای و مرتجع و حتی گمنام، خود را به نام "کومه له" قالب کنند. برای سازمان زحمتکشان این مهم است که اکثریت پیام آنها را در میان پیامها به کنگره خود، بعنوان "کومه له" چاپ کند. بحث ایجاد جبهه کردستانی با حزب دمکرات هم برای اینها از همین جنس است. برای سازمان زحمتکشان فعلاً به سرانجام رساندن کودتا علیه کومه له و سرقت نام کومه له کانون اصلی هر تلاشی است.

بربریت کاپیتالیسم عربان و دشمن شادی و آزادی و رفاه انسان است. این چهره کریه و ضد بشری را جنایتکاران رژیم بارها و بارها در خود سردشت نیز به شما مردم نشان داده‌اند. جنایت اخیر رژیم که طی آن جان چهار تن از فرزندانمان را گرفت و تعدادی را نیز مجروح کرد نباید بی جواب بماند. این حکومت و مزدورانش را باید بزیر کشید. به خیابانها بریزید. علیه این جنایت بطور وسیع اعتراض کنید و خواستار مجازات فوری عاملان و مجریان این جنایت شوید. با اعتراضاتتان شهر را بر رژیم تنگ کنید طوری که مزدوران رژیم جرات نکنند پا به هیچ خیابان و محله‌ای بگذارند.

### مرگ بر جمهوری اسلامی

۱۳۸۲\_۷\_۲۷  
۲۰۰۳\_۱۰\_۱۹

در اثر این انفجار ۳ نفر زخمی شدند. اسامی ۲ نفر از آنها که به دست کمیته کردستان رسیده است عبارتند از: کامران فرشید و فرهادامتنی

**\* شاهپورستمی کارگر سد گاوشان زیر ماشین رفت و جان باخت**

حدود ۱۰ روز پیش شاهپورستمی کارگر سدگاوشان، در شرایطی که مشغول کار بود زیر ماشین رفت و متأسفانه جان باخت. شاهپور جوانی ۲۴ ساله، که چند سال بود در سدگاوشان کارگری میکرد. در مراسم یاد بود او که در محله شریف‌آباد سندنجد برگزار شد جمعیت زیادی از مردم شرکت کردند.

**\* یاد محمد اوراز در سندنجد گرمای داشته شد**

روز جمعه ۲۵ مهر ۱۳۸۲ در کوه آبیبد جمعیت زیادی از مردم و خصوصاً جوانان در کوه آبیبد تجمع کردند و یاد محمداوراز را گرمای داشتند. محمداوراز اهل نقده، کوهنورد و عضو تیم ملی ایران بود که در دامنه کوههای هیمالایا زیر بهمن رفت و بعد از ۲۱ روز بستری شدن، متأسفانه در اواخر شهریور ماه در بیمارستان جان باخت.

**یک دنیای بهتر،  
برنامه حزب کمونیست  
کارگری را بخوانید!**

## این رژیم باید برود!



سلیمان قاسمیانی

### مردم آزادیخواه سردشت!

جمهوری اسلامی باز هم جنایت آفرید و فرزندانمان را بخاک و خون کشید. کارنامه این رژیم و عواملش سیاهتر از آن است که نیازی به توضیح آن باشد. چه کسی است که نداند در ایران و کردستان چگونه گورستانها را آباد کردند و بطور مدنیت و آرزوهای زندگی انسانی را پایمال کردند. این حکومت مظهر فلاکت و

## اخباری از کردستان

کمیته کردستان حزب و دبیرخانه این کمیته با صدور اطلاعیه‌هایی خبر داده اند که:

### \* مردم سردشت علیه جنایت جمهوری اسلامی بطور گسترده تظاهرات و اعتراض کرده اند.

طبق اطلاعیه شماره یک کمیته کردستان روز پنجشنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۲ در ساعت ۱۲ شب در جریان تیراندازی مزدوران رژیم مستقر در پاسگاه سهره "بی‌زیله" در حومه سردشت، به چهار موتور سوار، سه نفر از آنها به اسامی آزادنوروزی، احمدزودی و منصورمالاغانی کشته و نفر چهارم زخمی شد. متأسفانه نفر چهارم به نام کاوه احمدی آغا که در این ماجرا زخمی شده بود، در بیمارستان شهر جان باخت. کمیته کردستان در اطلاعیه شماره ۲ به این مناسبت خبر داده است تظاهرات ۳ هزار نفری مردم مبارز سردشت و خصوصاً جوانان با شعارهای ضد رژیم از اطراف بیمارستان شروع شد. سرکوبگران رژیم اسلامی برای مقابله با مردم دست به تیراندازی زدند و ۲ نفر را زخمی کردند. همچنین در جریان تیراندازی یک نفر از افراد مسلح رژیم کشته میشود. طبق گفته شاهدان عینی این فرد به مردم پیوسته و از نیروهای انتظامی میخواست که تیراندازی نکنند، اما او توسط سرکوبگران کشته میشود. به این ترتیب در مجموع پنج نفر کشته و دو نفر زخمی میشوند.

### \* میدان مین جمهوری اسلامی در منطقه مرزی مریوان جان دو انسان زحمتکش را گرفت

میدانها و مناطق مین گذاری شده در منطقه مرزی ایران و عراق تاکنون بکرات جان بسیاری از انسانهای بیگانه را قربانی گرفته است. رژیمهای جنایتکار اسلامی و بعث در جریان جنگ ایران و عراق وسیعاً مناطق مرزی را مین گذاری کردند و بعد از پایان جنگ هم کوچکترین اقدامی در جهت خنثی کردن این میدانهای مین صورت نگرفته است.

طبق خبر رسیده، روز پنجشنبه ۲۴ مهر ماه در اثر انفجار مین در نقطه مرزی "باشماخ" از حومه مریوان، دو انسان زحمتکش بنامهای کبری علی پناه و عباس حبیبی اهل روستای "بازی روا" از حومه شهر سندنجد جان خود را از دست دادند.

### \* در سندنجد ۳ نفر در اثر انفجار زخمی شدند

روز جمعه ۲۵ مهر ۱۳۸۲ (۱۷ اکتبر ۲۰۰۳) در ساعت ۸ و نیم شب انفجار بزرگی در محله "پردبند" در پشت استانداری روی داد که